

# مشکل مسکن

«نظام سرمایه‌داری، مایل به حل مسأله مسکن نیست»

## منشاء تنگنای مسکن در ایران از یکسو به نظام سرمایه‌داری

### و از سوی دیگر به تضاد بین شهر و روستا بستگی دارد

ب - کبارش

بدنیال رفرفهای مختلف نظام سرمایه - داری و مصرفی از بالا تحمیل می‌کردد. در طی این پروسه جمعیت روستایی با سرعت زیادی بطرف شهرها سرازیر می‌گردند و این مهاجرین بدنیال عدم امکانات بدست آوردن شغل مناسب و کرانی هزینتی زندگی و مسکن در بدنیال نقاط شهری کپرها و زاغه‌ها را بوجو می‌آورند و مشکل مسکن تشدید می‌کردد. با در نظر گرفتن نکات بالا می‌توان باین نتیجه رسید که مساله‌ی مسکن در حقیقت مساله‌ی کمبود آن است. کمبود رفاه و تجهیزات، تراکم زیاد واحدهای مسکونی، فرسودگی و غیر بهداشتی بودن اکثر مسکن و در مور مناطق حاشیه‌ای، غیر انسانی بودن کیفیت مسکن، مجموعه مسائل - سراسری بوجو می‌آورند که اکثر مردم بخصوص خرده بورژوازی وسیع کشورهای عقب مانده و طبقات زحمتکش با آن دست بگریبان بوده‌اند.

باید یادآوری کرد که ایمن تنکنا از خصوصیات غیر فابلی اجتناب روند شهرنشینی نیست، بلکه یک رابطه میان عرضه و تقاضا است و از شرایط اجتماعی تولید ایمن "کالای مصرفی" در نظام سرمایه‌داری ناشی می‌شود. میدانیم هرگونه تشابه می‌مستاجر و مالک با کارگر و سرمایه‌داری مورد است و بحران عمومی در این مورد از طبقات زحمتکش فراتر می‌رود. علت آن اینست که این مساله ناشی از یک نوع رابطه‌ی استثماراری نیست بلکه در ارتباط با قوانین بازار سرمایه‌داری چه در کشورهای سرمایه‌داری صنعتی و چه در کشورهای عقب افتاده قرار می‌گیرد که در کشورهای عقب افتاده بخاطر سر خصوصیات سرمایه‌داری و سودجویی از زمین و بورس بازی ساختمانی نقش وحدت

داخلی شهرها سرعت افزایش یافته و ساختمان های موجود در این مناطق نیازهای جدید را بر آورده نمی - کنند. این ساختمانها بطور مرتب تخریب گردیده و جای خود را بسه ساختمانهایی که نیازهای جدید را بر طرف نمایند میدهند.

در درجه‌ی اول خانه‌های کارگری و ارزان قیمت تر در داخل شهرها تخریب میشوند. اینها ساختمانهایی بودند که با وجود تراکم انسانی زیاد در آنها، نمیتوانستند نیازهای سود جویانه‌ی سرمایه‌داری را بر آورده کنند و طی این روند طبقات زحمتکش به حاشیه‌ها رانده میشوند. از طرف دیگر تمرکز صنایع باعث می‌گردد همواره مهاجرین روستایی بطرف شهرها روان گردند و در مناطق حاشیه‌ای شهرها متمرکز شده و ارتش ذخیره‌ی نیروی انسانی مورد نیاز جامعه‌ی سرمایه‌داری را به وجود آورند و با مشکل مسکن دست بگریبان گردند. انکلس در آن زمان راه حل موقت این تنکنا را در سلب مالکیت از ساختمان ها و تخصیص آنها به خانواده‌های بدون مسکن میدید. اگر این راه حل میتوانست موقتا مشکل مسکن را در شهرهایی که ذخیره‌ی ساختمانی زیاد داشتند تعدیل نماید، بدون شک نمیتوانست در مورد کشورهای سرمایه‌داری عقب مانده تر صدق نماید.

در کشورهای عقب مانده روند گسترش شهرها غیر از کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته می‌باشد. در اغلب این کشورها مثل ایران نظام معیشتی پیش سرمایه‌داری تحت شرایط تحمیلی سیاسی و اقتصادی امپریالیستی فرو پاشیده میشود و

یکی از مشکلاتی که امروزه در مقابل نظام حاکم قرار دارد، مشکل مسکن میباشد. ما در ابتدا سعی خواهیم نمود که علل و چگونگی بوجو آمدن این مساله و ابعاد و کیفیت آن را بیان نموده و سپس نحوه‌ی برخورد قدرتمندان جمهوری اسلامی بدین مسئله‌ی حیاتی زحمتکشان را مورد بررسی قرار خواهیم داد. مدرتمندانی که با احتسرا کذاردن به مالکیت خصوصی و نظام سرمایه‌داری بظاهر در پی حل یکی از مشکلات اساسی این نظام میباشد.

برای این منظور لازم است قدری به عقب برگشته و چگونگی بوجو آمدن مشکل مسکن را در ارتباط با روند شهر نشینی بررسی کنیم. انکلس در تحلیل خود از مسئله‌ی مسکن چنین می‌نکارد:

"آنچه امروز تحت عنوان تنکنا مسکن فهمیده میشود عبارت است از وخیم شدن شرایط مسکونی به کارگران، بدنیال هجوم ناگهانی جمعیت به شهرهای بزرگ، افزایش اجاره بها و تراکم بیشتر ساکنین در هر خانه و بر عده‌ای عدم امکان داشتن هر نوع مسکن. این تنکنا‌ی مسکن صرفا از اینرو اینهمه سرو صدا بپا کرده است که تنها به طبقه‌ی کارگر محدود نشده، بلکه دامنگیر خرده - بورژوازی نیز شده است."

در حقیقت مساله‌ی مسکن همزمان با گسترش شهرهای صنعتی و توسعه‌ی صنایع بزرگ و تمرکز نیروی انسانی ابعاد جدیدی می‌یابد. همراه با این گسترش قیمت اراضی در قسمت

بیشتری می باید. ولی این همسوی فضا نیست. مسکن در ماوراء کمبود، کالانی است که از خصوصیات مختلفی بر خوردار است مثل کیفیت مسکن یعنی تاسیسات و تجهیزات، درجهی رفاه، نوع و عمر ساختمان و شکل آن یعنی فردی و جمعی، واحدهای مجزا و یسا مجموعه‌ها و علاوه بر اینها نوع استقائ یعنی اجاره‌ای و تملکی و مالکیت مشترک و غیره. بنا بر این با در نظر گرفتن خصوصیات خود "کالا" می بینیم که مساله از طرف دیگر به موقعیت این "کالا" در کل سیستم اقتصادی نیز بستگی پیدا میکند. در رابطه با این موقعیت باید گفت که مسکن یکی از عناصر اصلی و مهم باز تولید نیروی کار است و تمرکز یا پراکندگی ساکن در رابطه با تمرکز و پراکندگی نیروی کار قرار میگیرد و در حقیقت در جایی که صنایع بوجود میآیند لزوم اسکان

ایران تمرکز در شهرها فقط بغلست تمرکز صنایع نیست بلکه ناشی از فروپاشی نظام تولیدی پیش سرمایه داری تحت شرایط سلطه امپریالیستی است. علاوه بر آن تمرکز خدمات و تمرکز بوروکراسی دولتی نیز عوامل دیگری برای جذب مهاجرین به شهرهای بزرگ بوده‌اند. این عوامل در حقیقت ریشه‌های اصلی بوجود آمدن حاشیه نشینی و زاغه نشینی در این ابعاد گسترده که امروز با آن روبرو هستیم میباشد. با در نظر گرفتن خصوصیات کالای مسکن در نظام سرمایه‌داری طبیعتا میبایست سرمایه گذاری در این بخش آنقدر سود آور باشد که سرمایه داران کوچک و بزرگ و موسسات مالی چنین لیورشی به ساختمان سازی نموده باشند. در اینجا اشاره‌ی مختصری به خصوصیات و چگونگی تولید ارزش اضافی

و سود حاصله از خرید و فروش زمین چنان سرسام آور میگردد که سرمایه‌داران خرد و کلان و موسسات مالی و دولتی همگی مشغول بورس سازی و معاملات زمین میگردند و با قوانینی که ایجاد می‌نمایند قیمت‌ها را بطور سرسام آور بالا میبرند. مقابله‌ی سرمایه‌گذاری و بورس‌بازی زمین در شهرهای عمده کشورهای عقب مانده نشان دهنده‌ی این امر می باشد.

۲- مصالح و اجزاء ساختمانی عمدتاً وارداتی هستند و جز بخشی از آن مربوط به تولید داخلی نمیگردد. در این زمینه سرمایه‌داری وابسته منافع زیادی را با در دست گرفتن بازارهای وارداتی بدست می‌آورد. ( نگاه کنید به سابقه‌ی واردات آهن و شیشه و غیره و بازارهای انحصاری آن در گذشته ).

۳- در مورد نیروی انسانی نیز

مشکل مسکن، همچون بسیاری دیگر از مشکلات اولیه زندگی ریشه‌های عمیق در ساختار اجتماعی و اقتصادی ایران دارد و حل این مشکل بدون علل و دگرگونی ریشه‌های در مناسبات سیاسی و اقتصادی که مولد این مشکل و مشکلات مربوط به آن میباشد عملی نیست. همچنانکه سرمایه‌داران آریا مهری نتوانستند مشکل مسکن در ایران را حل نمایند سرمایه‌داران اسلامی نیز قادر به حل این مشکل نخواهند بود.

دادن نیروی کار نیز بدنبال آن می‌آید. در صورتیکه صنایع در مناطق جدید احداث شوند سرمایه‌داری مجبور بحل مشکل کارگران به نحوی از انحسار میباشد. سهمین علت سرمایه‌داری برای فرار از این مساله گرایش شدید به ایجاد صنایع در شهرهای موجود داشته است و روی نیروی کار بالقوه در شهرها حساب کرده است. با تمرکز امکانات اشتغال و جمعیت نیازهای جمعیت از حدود امکانات شهرهایی که تحت نظام تولیدی دیگری بوجود آمده بودند فراتر میرود و بحران مسکن آغاز میگردد. بنا بر این هر چه رشد سرمایه‌داری سریع تر است بحران مسکن حدت بیشتری خواهد داشت. در مورد کشورهای عقب مانده و

در این بخش می‌نمایم تا نقش سرمایه‌داران در تولید این احتیاج اولیه مشخص گردد.

تولید مسکن شامل سه عنصر اصلی میباشد:

۱- زمین، زمینی که روی آن ساختمان ساخته میشود.

۲- مصالح و اجزاء ساختمانی.

۳- نیروی کار در تولید مصالح و ساختمان. خصوصیات این سه عنصر و ارتباط آن با بازار سرمایه‌داری است که نوع خاصی از سازماندهی نیروی کار و سرمایه گذاری در این رشته را ایجاد نموده است.

۱- در کشورهای عقب افتاده، سرمایه‌داری وابسته بخاطر عدم داشتن امکانات جهت ایجاد صنایع مادر و عمده در زمین سرمایه‌گذاری نموده و بهره‌ی مالکانه

باید گفت که شدیدترین استثمار و غیر انسانی ترین آن در این بخش مورد عمل قرار میگیرد و در حقیقت خیل عظیم مهاجرین روستاها بخاطر عدم داشتن تخصص و نبودن امکانات دیگر بجز وارد شدن در این بخش چاره‌ای دیگر نداشته‌اند. کافی است روزانه ۱۶ ساعت کار با شرایط غیر انسانی در کوره‌های آجرپزی و یا در بخش ساختمانی با ساعات کنار نامحدود ( از صبح تا شام ) بدون برخورداری از هرگونه رفاه اجتماعی توجه شود.

مسکن در ایران

از هم پاشیدگی بقایای فئودالیسم در ایران بر اثر رشد بورژوازی وابسته از یکسو، امکانات رسوخ بازارهای مصرفی را در بطن

روستاها فراهم آورده و از سوی دیگر گروههای عظیمی از خوش نشینان بی زمین و دهقانان کم زمین را برای کنار در کارخانهها، شرکتهای و مؤسسات خدماتی بسوی شهرها راند.

در حالیکه نیروی کنار ارزان و فراوان برای احداث ساختمانها در زاغهها، کپرها و آلودگیهای حاشیهی شهرها در انتظار دعوت بکار بودند، زمینداران شهری، راضی حومه شهرها و داخل شهرها را برای ایجاد خانه و شهرک تفکیک میکردند.

بناز و بفروشهای خرد و گران وارد عرصه سوداگری زمین و مسکن شدند، در این دوره سود حاصل از خانه سازی بسیاری از افراد را به دایره تولید مسکن کشید. بسیار بودند کسانی که شغل و حرفه اصلی خود را ترک کرده و بدنبال بساز و بفروش سرمایه های خود را بکار انداخته و با دریافت اعتبارات بانکی به خانه سازی پرداختند. در این فاصله میزان تولید مسکن دارای چنان آهنگی بود که در کمتر از ده سال وسعت شهرها به دو برابر افزایش یافت. صف طولانی وام گیرندگان از بانکها و صف متقاضیان مصالح ساختمانی منعکس کنندهی میزان فعالیت در این بخش بوده است.

تحلیل عملکرد سیستم بانکی در این دوره، میتواند علت اصلی بحران مسکن را روشن کند. فعالیت بانکها در توزیع اعتبارات ساختمانی حجم قابل ملاحظه ای یافت، تراژدی بانک مرکزی در سال ۱۳۵۵ نشان میدهد که میزان اعتبارات مسکن در سال ۱۳۵۱ از ۴۵/۸۷ میلیارد ریال به ۲۳۷/۸۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۵ فزونی یافته است. اگر چه ظاهرا این افزایش تلاش در جهت تخفیف بحران و حل تنگنای مسکن بود اما علت اصلی بحران نیز در همین جای یعنی در سیستم عملکرد بانکها خوابیده بود. وامها و اعتبارات بانکی عاملی در جهت تشدید بحران مسکن بوده است زیرا کلیهی عوامل شرکت کننده در مسکن یعنی تولید

کنندهی مصالح، سازندگان و خریداران همگی از طریق دریافت وام با بهره بالا وارد عرصه عرضه و تقاضا می شدند. کافی است به رشدهای فعالیت های بانکی و تاسیس مؤسسات مالی کوناگون در دهه های اخیر توجه شود. سازندگان علاوه بر سود کلانی که از بالا بسوزن میزان تقاضا بدست می آوردند، هزینه های ربح و بهره ی وامهای خویش را نیز از خریداران دریافت میکردند. خریداران خرده یا نیز که مسکن را به چند برابر قیمت تمام شده می خریدند، حداقل به دو برابر قیمت باقسط ماهیانه به بانک باز می گردانیدند، بدین ترتیب قیمت یک خانه ۱۰۰ هزار تومانی در این بروسی بانکی ۶۰۰ هزار تومان برای خریدار تنگ دست شهری تمام میشد. و آنگاه همین خریدار بعلت گرمی بازار و جبران زیانهای حاصله، پس از مدت کوتاهی خانه را در بازار مسکن عرضه میکرد. بدین ترتیب مسکن بعنوان کالای سودمند برای قانون عرضه و تقاضا در بازار و بورس معاملات ملکی و مستغلات مورد معامله قرار میگرفت و قشر دلالان زمین و خانه روز بروز افزایش می یافت. در این میان طبقه و قشرهایی که واقعا با مسئلهی مسکن دست بگریبانند مادام العمر قسط ماهیانه ای در حدود اجاره بهای رایج که آن نیز خود را بطور مداوم با قیمت ساختمان همپراز میکرد به بانکها و صاحبخانه ها می پردازند.

در شرایطی که تقاضا برای واحدهای مسکونی در مقابل عرضه ی آن بسطح بحرانی میرسید، بانکها سهم عمدهی اعتبارات بخش مسکن و ساختمان را به خریداران مسکن میپرداختند. بر اساس بررسیهای بانک مرکزی ایران در سال ۱۳۵۵، ۶۵٪ کل وامهای ساختمان به خریداران و ۳۵٪ برای احداث و تعمیر و تکمیل ساختمان پرداخت شده است. همین سیاست بطور مداوم بشدت تقاضا می افزود و افزایش تقاضا قیمتتها را به نحو

رو به تزایدی افزایش میداد. اما پرداخت وام مسکن به خریداران از طرف بانکها نیز شرایطی داشت، شرط اساسی آن داشتن پسانداز یا سپردن وثیقه بود. با چنین شرایطی خریداران مسکن میتوانستند وام دریافت نمایند. کاملا روشن بود که بخش عمده ای از این گروه پسانداز کنندگان و دریافت کنندگان وام مسکن متقاضیان حقیقی مسکن نبودند، بلکه معامله کران بازار مسکن بودند.

در این میان همه ی کسانی که امکان پسانداز نداشتند بی خانمان و اجاره نشین باقی می ماندند و سهم عمدهی کار مزد خویش را بعنوان اجاره به جیب صاحبان خانه ها و آنها هم نیز بخشی از آنها به کیسهی بانکها می ریختند و برندهی اصلی این ماجرا بانکها بودند که کارگردان جریان را نیز بعهده داشتند.

وام بانکی مرکز ثقل کلیه ی فعالیتهای بخش مسکن بود. سرمایه داران، بساز بفروشها وام میگرفتند تا خانه بسازند، صاحبان صنایع ساختمانی وام میگرفتند تا مصالح تولید کنند، شرکتهای تعاونی وام میگرفتند تا برای اعضا خود خانه بسازند و خریدارانی که پساندازی داشتند وام میگرفتند تا خانه بخرند که برخی از آن استفاده کنند و بیشتریشان آنها بفروشند، ربح و سود کلیهی این عملیات بصندوق بانکها سرازیر میشد تا شهرنشینان متقاضی مسکن مادام العمر قسط خانه به بانک بپردازند و فقرای شهری که توانائی پسانداز ندارند همچنان بی خانمان حاصل دسترنج خود را اجاره بها بدهند که باز صاحبان خانه بخشی از آن را به بانکها بپردازند.

دولت جمهوری اسلامی در مقابل حرکت انقلابی مردم که در جریان انقلاب بانکها را به آتش کشیدند و سپس خواستار مصادرهی خانه های خالی شدند، چه راه حلی برای مسئلهی مسکن ارائه داده است؟ ابتدا مردم را به آرامش و صبر

انقلابی دعوت میکنند و بالاخره برای حفظ سیستم سرمایه‌داری راه حل را چنین ارائه میدهد:

- ۱- تعدیل مالکیت اراضی شهری
- ۲- کاهش بهره‌ی بانکی از ۱۴ در صد به ۴ در صد بعنوان کارمزد
- ۳- فرمان بازگشت به روستاها

خرده بورژوازی که حالا انحصار طلبان مالی را در تنگنا قرار داده است بقایای زمینداران شهری را نیز که هزینه‌ی زیادی برای ساختمان طلب میکردند به نرمش‌کنار میگذارد و برای دریافت وام ارزان "راه حل" ضد رباخواری را پیشنهاد میکند که سرانجام بعد از چانه زدنهای بازاری به ۴ در صد تخفیف می‌یابد. در این شرایط با گرفتاری کمتر و کمی ارزانتر میتواند خانه بسازد و بازار بحرانی آنرا مجددا رونق بخشد. ولی آیا طبیعت غارتگر و ماهیت سوداگر سرمایه‌داری به زودی به شیوه‌ی خویش این سد موقتی را نمی‌شکند؟ آیا اصولاً سیستم منتهی بر سرمایه‌داری میتواند با ربا خواری و بانکداری مبارزه کند؟ اما میتوان گفت در حدود خواسته‌های خرده بورژوازی "راه حل" جالبی است. زیرا بازار بحرانی مسکن با تخفیف در بهره فعلاً رونق نمی‌یابد و فقیران شهری را به تعداد بیشتر و آسانتر به دام بانک‌های وام دهنده میکشاند. بهر حال منظور اصلی غارت‌دسترخ زحمتکشان است که بطور ماهیانه مبلغی بعنوان اجاره بها یا قسط میتوانند پرداخت کنند، زیرا واقعا مسالهی مسکن فقط یک مشکل فیزیکی نیست، اگر چنین فکر کنیم که این مشکل بعینت توسعه‌ی زندگی و افزایش جمعیت

همواره وجود دارد، حاد شدن آن به علت ابعاد اقتصادی آنست. زیرا هرگاه کسی صاحب‌خانه شد از مسئله رهایی نمی‌یابد و مهم میزان هزینه‌ای است که هر کس بعنوان حق سکونت در ماه از درآمد خویش می‌باید بپردازد، در واقع همین مبلغ است که در یک سیستم سرمایه-

داری بآن چشم اندوخته‌اند و به همین علت است که بنا بگفته‌ی انکلس:

"نظام سرمایه‌داری مایل به حل مسالهی مسکن نیست."

رهمون دومسی که جمهوری اسلامی برای حل بحران مسکن در شهرها تبلیغ میکند، رجعت حاشیه نشینان و فقرای شهری به سقراط یعنی روستا و زادگاه خویش است روی سخن به توده‌ی عظیمی از شهرنشینانی است که حتی قادر به پرداخت اقساط بانکی نیستند. وجود آنان در شهرها بچه درد میخورد، زیرا همین نیروها که زمانی برای حل مشکلات خود بازوی اصلی انقلاب اسلامی بودند و حالا هم هستند ممکن است بر اثر نارضایی‌ها و بر آورده نشدن خواست حقیقی آنها بازوی ضد انقلاب شوند!

تبلیغ برای هوای پاک روستاها و دامن طبیعت بی شباهت به تبلیغات آریامهری نیست، تبلیغ برای احیای کشاورزی یا کاشتن زمین، کدام زمین؟ زمینهای باپیری که بین آنها تقسیم خواهد شد. به روستا باز

گردید. اراضی بایر و بی‌آب را بکارید و ایران را از وابستگی به امپریالیسم - کارتر- رها کنید. بخشید. از سوی دیگر برای آندسته از فقیران شهری که حاضر به بازگشت به روستاها نیستند، جهاد سازندگی در پیرامون شهرها خانه‌های آلونکی می‌سازد. آلونکهای ۹۰ هزار تومانی بنیاد مستضعفان را بعد از پس‌انداز و دریافت وام با ربح ۴% بمسکن یا نژده سال میتوانند صاحب شوند. باز همان شیوه‌ی روبرو شدن با مسئله، یعنی پس‌انداز، سپس دریافت وام، آنگاه پرداخت قسط منتهی با تخفیف اسلامی و در عین حال تبلیغ برآی خارج کردن فقیران بی‌پس‌انداز خارج از محدوده به خارج از شهرها و به روستاهایی که از بی‌آبی تشنه و ساکنین از بی‌نانی گرسنه- اند. در مورد آنها هم فکری کرده‌اند. قرار است کشاورزی را مکانیزه کنند، مراکز تعمیر و

راه اندازی ماشین آلات را در مرکز چند روستا ایجاد خواهند کرد، رفع کمبود مواد غذایی ایجاد میکند که کشاورزی صنعتی شود، این برنامه نیز در تاریخ آموزنده شده است، با ورود ماشین به روستا بقیه‌ی روستائیان نیز به حاشیه شهرها کوچ خواهند کرد و سرمایه داران شهری دستمزد کارگران را از مجرای بانکها غارت خواهند کرد و بدست روستائیان مهاجر حاشیه نشین شهرها مجددا خانه‌های بساز و بفروش خواهند ساخت و این جریان رشد خرده بورژوازی را تا حدود سرمایه‌داری بزرگ میسر خواهد نمود. جریان‌ات انقلاب صنعتی نشان داده است هر اقدامی سرمایه‌داری برای رشد اقتصادی، عمران روستایی و شهری بعمل می‌آورد موجب تشدید مهاجرت روستائیان، حدت فقر و بردگی کارگران، کارمندان و فقر شهری خواهد شد. زیرا طبیعت سرمایه‌داری اعم از خرد و کلان چنین ایجاد میکند، با این تفاوت که حرص خرده بورژوازی بیشتر و چهره‌ی آن گول زنده تر است. بنابر این منشا تنگنای مسکن در ایران از یکسو بر نظام سرمایه‌داری و از سوی دیگر به تضاد بین شهر و روستا بستگی دارد. زیرا در صورتیکه از لحاظ فیزیکی برای هر ایرانی یک خانه هم بسازند تا زمانیکه مزد بگیران و زحمتکش شهری سهم عمده‌ی درآمد خود را به عنوان قسط یا اجاره بپردازند، مسئله‌ی مسکن از لحاظ اقتصادی وجود خواهد داشت. زمانی مسئله‌ی مسکن حل خواهد شد که تملک و یا استفاده از آن موجب اطمینان روحی و جسمی گردد و بخش معقولی از درآمد صرف آن شود. واقعا یک خانه چه مدت از عمر و یا چه مقدار از میزان کار هر زحمتکش می‌آورد؟ تمام عمر مفید، یا تمام درآمد ماهیانه؟

ماهیت سود جوی سرمایه‌داری شبانه روز خواهد کوشید و خانه‌های متعدد خواهد ساخت، همچنانکه



قبل از انقلاب نیز علاوه بر سرمایه‌داران عمده، بازاریبها، کارمندان مرفه، مهندسان و پزشکان و حتی روحانیون ثبانه روز در صف وام بانکها و صداجر و کج اسناده بودند تا خانه بمارند و سرمایه‌داران بفروشدند. چنین حمصی از فعالیت را در کدام جامعه‌ی جهان سراغ میتوان گرفت، اصلا نتیجه‌ی نهایی آن چه بوده است؟ بردگی مزد بکبران تنک دست در نزد بانکها و با صاحبان خانه، آیا با وجود سرمایه‌داری جریانی جز این میتوان انتظار داشت؟ آیا زمانیکه مسکن از صورت یک کالا از بورس و بازار خارج نشود، میتوان گفت تنگنای مسکن حل شده است؟

از طرف دیگر آیا تا زمانیکه تضاد میان شهر و روستا حل نشود میتوان از مهاجرت روستائیان برای کار و درآمد به شهرها جلوگیری نمود.

سرمایه‌داری که برای بهره‌وری هرچه بیشتر متعادل به صنعتی شدن گناورزی است چگونه میتواند از مهاجرت روستائیان جلوگیری نماید. تا بیا "در بگ سیستم اجتماعی عادلانه چه تفاوتی بین نقاط جمعیتی و مراکز اسکان بشری وجود خواهد داشت که از یکی به دیگری سبل مهاجرت سرازیر شود، از این مهاجرت ها چه کسانی سود خواهند

ببرد، مهاجرین یا انصار؟ به عبارت دیگر مشکل مسکن، همچون بسیاری دیگر از مشکلات اولیه زندگی ریشه‌ای عمیق در ساختار اجتماعی و اقتصادی ایران دارد و حل این مشکل بدون عمل و دگرگونی ریشه‌ای در مناسبات سیاسی و اقتصادی که مولود این مشکل و مشکلات مشابه آن می باشد عملی نیست. همچنانکه سرمایه‌داران آریا مهری نتوانستند مشکل مسکن در ایران را حل کنند، سرمایه‌داران اسلامی نیز قادر به حل این مشکل نخواهند بود. کمونیستها و تنها کمونیستها هستند که با احاء مالکیت خموصی قادر به حل بنیادی مسئله مسکن در ایران خواهند گردید. ●